[نه!] بلکه حقیقت را بر ایشان آوردیم، و قطعاً آنان دروغگویند. (90) خدا فرزندى اختیار نکرده و با او معبودى [دیگر] نیست، و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایى آنچه را آفریده [بود] باخود مى‌برد، و حتماً بعضى از آنان بر بعضى دیگر تفوّق مى‌جستند. منزه است خدا از آنچه وصف مى‌کنند. (91) داناى نهان و آشکار، و برتر است از آنچه [با او] شریک مى‌گردانند. (92) بگو: «پروردگارا، اگر آنچه را که [از عذاب‌] به آنان وعده داده شده است به من نشان دهى، (93) پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده.» (94) و به راستى که ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم. (95) بدى را به شیوه‌اى نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف مى‌کنند داناتریم. (96) و بگو: «پروردگارا، از وسوسه‌هاى شیطانها به تو پناه مى‌برم. (97) و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه مى‌برم.» (98) تا آنگاه که مرگ یکى از ایشان فرا رسد، مى‌گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، (99) شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکى انجام دهم. نه چنین است، این سخنى است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخى است تا روزى که برانگیخته خواهند شد. (100) پس آنگاه که در صور دمیده شود، [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندى وجود ندارد، و از [حال‌] یکدیگر نمى‌پرسند. (101) پس کسانى که کفه میزان [اعمال‌] آنان سنگین باشد، ایشان رستگارانند. (102) و کسانى که کفه میزان [اعمال‌]شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم مى‌مانند. (103) آتش چهره آنها را مى‌سوزاند، و آنان در آنجا ترش‌رویند. (104)